

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

چرایی ورود انسان به دنیا

شناسنامه مطلب	
t-162	کد مطلب
تزکیه‌ای / تقوای عمومی / اصلاح اندیشه / تغییر بینش / نسبت به انسان	رده
انسان، دنیا، تزکیه، تغییر نگرش	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

سؤال‌ی که مطرح می‌شود، ممکن است این باشد که حالا که در آن عالم بودیم، چرا آمدیم و حال که آمدیم، برگشتن چه معنایی دارد؟

مثالی می‌زنیم تا مشخص شود:

نانوایی را در نظر می‌گیریم که شب، برای درست کردن خمیر، آب را بر روی آرد می‌ریزد. و این همه در این کار زحمت می‌کشد تا آب را در داخل همه ذرات آن فرو ببرد. بعد هم صبح با چه زحمتی همین خمیر را می‌گذارد در تنور و این آب را که خودش ریخته بود، بیرون می‌کشد. آیا باید بگوئیم نانوا کار بیهوده‌ای انجام می‌دهد؟! اتفاقاً همین است که مراتب تکامل را طی می‌کند و به نتیجه‌ای می‌رسد که در این مسیر تربیت، قوه به فعل می‌رسد، وگرنه نان به این خوشمزگی، در همان قوه می‌ماند. اما این تربیت (فرو بردن آب و بعد بیرون کشیدن همان آب، بوسیله آتش) آن قوه را به فعل می‌رساند.

ما هم وقتی به این عالم می‌آییم و در تنور این عالم به فعلیت می‌رسیم، خود را احساس می‌کنیم و از آن لذتی می‌بریم که هیچ چیز را نمی‌توان با آن مقایسه کرد. وگرنه لذت‌های این عالم، لذت نیستند. رفع الم هستند. از عذاب درد در عالم خیال رها می‌شود و خیال می‌کند که لذت می‌برد.

مانند این که چاقو به بدنمان می‌خورد و احساس عذاب می‌کنیم و بعد که مرهم می‌گذاریم، احساس لذت می‌کنیم در حالی که تخیلاً لذت می‌بریم. یا وقتی آب می‌خورم چه لذتی می‌برم؟! خیر از تشنگی عذاب می‌کشیدم، این عذاب رفع شده و خیال می‌کنم که لذت می‌برم. غذا هم همین طور.

اصلاً این عالم، خودش درد و رنج است. از این درد و رنج رها می‌شود، فکر می‌کند لذتی برده است. این عالم اصلاً ظرفیت ظهور لذت را ندارد.

این رفع الم، این همه انسان را اسیر و تشنه و نوکر و فدایی خود کرده، اگر به حقیقت لذت برسد، چه خبر می‌شود؟!!